

Research Article

A Study of the Damages Related to Religious Education in Schools and Presentation of Suitable Guidelines and Strategies¹

Marzban Adibmanesh

Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University,
Tehran, Iran. marzbaneadib@cfu.ac.ir

Abstract

The present study was conducted with the purpose of recognition and introduction of the damages related to religious education in schools and presentation of some suitable guidelines and strategies from the view of scholars in the realm of educational science. It was qualitative research conducted using some interview sessions. With respect to the research method, the statistical sample consisted of 10 experts in the field of religious and educational science and as a result of interview sessions with them, data theoretical saturation was achieved. The research results indicate that some of the most important damages related to religious education issues include the uncertainty of religious education arenas, confusion between religious information and religious educations, and contradiction between family and school in terms of religious issues. Moreover, compatibility between religious education and students' spiritual and mental needs and making the lessons comprehensible for them, propagation of rationality, paying attention to individual differences in religious education planning, ... can pave the ground to resolve the damages.

Keywords: Religious Education, Students, School, Education and Training, Educational Science.

-
1. **Cite:** Adibmanesh, M. (2023). A Study of the Damages Related to Religious Education in Schools and Presentation of Suitable Guidelines and Strategies. *Research Quarterly Of Islamic Education and Training*, 4(1), P.33-46.
DOI: 10.22034/riet.2023.13042.1151

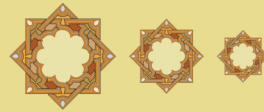
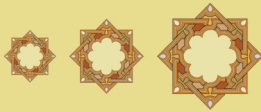
Received: 2022/12/27; **Received in revised form:** 2023/01/28; **Accepted:** 2023/03/02; **Published online:** 2023/03/22

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Publisher: Farhangian university





تبیین آسیب‌های حوزه تربیت دینی مدارس و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب^۱

مرزبان ادیب‌منش

استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. marzbaneadib@cfu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناخت و معرفی آسیب‌های حوزه تربیت دینی مدارس و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران حوزه علوم تربیتی انجام شده است. این پژوهش از نوع کیفی بوده و با استفاده از مصاحبه انجام شده است. با توجه به روش پژوهش، جامعه پژوهش شامل ده نفر از صاحب‌نظران حوزه علوم دینی و علوم تربیتی بود و در مصاحبه با این ده نفر، اشباع نظری داده‌ها بدست آمد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که مشخص نبودن ساحت‌های تربیت دینی، اشتباه گرفتن اطلاعات دینی به جای تربیت دینی، تضاد میان خانواده و مدرسه در امور دینی، مهم‌ترین آسیب‌ها در بحث تربیت دینی هستند. همچنین متناسب‌سازی آموزش‌های دینی با نیازهای روحی و روانی متربیبان و قابل فهم و درک برای آنها، ترویج رویکرد عقل‌ورزی، توجه به تفاوت‌های فردی در برنامه‌ریزی تربیت دینی و... می‌تواند زمینه برون‌رفت از آسیب‌ها را فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، دانش‌آموزان، مدرسه، آموزش و پرورش، علوم تربیتی.

۱. **استاد به این مقاله:** ادیب‌منش، مرزبان (۱۴۰۲). تبیین آسیب‌های حوزه تربیت دینی مدارس و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب. پژوهش

در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۱۴(۱)، صص ۳۳-۴۶. DOI: 10.22034/triet.2023.13042.1151

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۱/۰۲

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir>

ناشر: دانشگاه فرهنگیان



۱. مقدمه

از جنبه‌های مهم تربیت انسان، توجه به پرورش و تربیت دینی او است. تربیت وقتی براساس دین بنا شود و با اعتقاد و اخلاق مذهبی هم‌ریشه گردد، می‌تواند تربیتی جامع و کامل و نیز تضمین‌کننده سعادت بشر در دنیا و آخرت باشد (کاویانی و نوروزی، ۱۳۹۸). در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، همواره سعی بر آن بوده که آموزش و پرورش ماهیت دینی داشته باشد، اما علی‌رغم این تلاش‌ها، تجربه سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، و واقعیت‌های موجود آموزش و تربیت دینی در مدارس نشان می‌دهد که در این راه، آسیب‌ها و آفت‌هایی وجود دارد. مشاهده وضعیت دینداری نوجوانان و جوانان و میزان پایبندی آنان به دستورات اسلام حاکی از آن است که آموزش و پرورش رسمی در تحقق اهداف تربیت دینی، موفقیت چندانی به دست نیاورده است (رحمان‌پور و جعفری، ۱۳۹۵).

تربیت دینی حاوی شناختی در ارتباط با پدیده‌ها و روابط حوزه عملی تعلیم و تربیت، صورت‌های مطلوب آنها و چگونگی بوجود آوردن دگرگونی در آنها می‌باشد؛ با این شرایط باید مرز بین تربیت دینی و شبه تربیت مشخص گردد (رحمان‌پور، ۱۳۹۰).

به هر حال، پویایی و بالندگی هر نظام تربیتی مستلزم این است که اصول، روش‌ها و کارکردهای خویش را از حالت یکنواختی خارج کند و بتواند انتظارات خود را متناسب با تغییرات محیطی، سرزنده و شاداب نگه دارد (کیومرثی، ۱۳۹۲). بنابراین، هر پدیده‌ای در طبیعت و عالم انسانی با آفت‌ها و آسیب‌هایی روبه‌رو است که مانع رشد و کمال آن می‌شود. آسیب‌شناسی تربیت دینی به معنای بررسی واقع‌بینانه موانع و آسیب‌ها در امر تربیت دینی، و ارائه راهکارهای مقابله با آن، یکی از ضرورت‌های انکارناپذیر زمان حال ما است. به طور طبیعی منظور از موانع و آسیب‌ها آن دسته عوامل مهم و موثری است که در روند تربیت دینی اختلال ایجاد می‌کند و تحقق آن را مشکل و یا ناممکن می‌سازد.

با توجه به ضرورت و اهمیت آموزش و پرورش عمومی و برنامه‌های درسی، باید بررسی کرد که چه آسیب‌هایی تربیت دینی را تهدید می‌کند و با چه راهبردها و تدابیری می‌توان با این آسیب‌ها مقابله مناسب کرد و مسیر تربیت دینی را در فرایند طبیعی و منطقی خود قرار داد. در این راستا به چند نمونه از پژوهش‌های صورت گرفته در این خصوص، اشاره می‌شود:

رحمان‌پور و جعفری (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌های تربیت دینی و ارائه راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با رویکرد برنامه‌ریزی درسی»، نشان دادند که ضعف و ناکارآمدی نظام‌های تربیت دینی، برخوردهای سطحی تعصب‌آمیز، و بدفهمی‌های دینی از طرف افراد، از

مهم‌ترین آسیب‌های شناسایی شده هستند. راهبردها و راهکارهای پژوهش نشان داد که ترویج و گسترش شیوه تعقل‌گرایی، دوری از تعصبات فردی و جمعی، لزوم توجه به تفاوت‌های فردی در فرایند برنامه‌ریزی درسی تربیت دینی، از جمله مواردی هستند که می‌توانند زمینه برون‌رفت از آسیب‌ها را فراهم کنند.

ملحان (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی آسیب‌ها و راهکارهای تربیت دینی دانش‌آموزان در مدارس»، نشان دادند که موضوع تعلیم و تربیت و روش‌های دستیابی به آن، همواره در تمامی ادوار، توجه آدمی را به سوی خود معطوف نموده است. اگرچه تعلیم و تربیت انسان‌ها، کاملاً وابسته به آموزش و پرورش رسمی نیست؛ اما باید اذعان نمود که جریات تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی، یکی از مهم‌ترین و هدفمندترین بخش‌های تعلیم و تربیت آدمی است. همچنین نتایج حاکی از آن است که با تمام اقداماتی که در سال‌های اخیر صورت گرفته است، هنوز دانش‌آموزان از تعلیم دینی تصور مشخص و کاملی در ذهن خود ندارند. لذا، لازم است نگاهی دوباره به عملکرد خود در این زمینه داشته باشند و به تجدیدنظر و اصلاح روش‌ها و راهبردها بپردازند.

ساجدی (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان «ابزارها و روش‌های آسیب‌زا در تعلیم و تربیت دینی دانش‌آموزان»، چالش‌های مهم این حوزه را شناسایی کردند، که مهم‌ترین آنها عبارتند از: روش تحکّم و تحمیل به جای حکمت و تحلیل؛ آموزش یکنواخت، اکتفاء به شیوه‌های مستقیم، سطحی، غیرمستمر و غیرتدریجی و همچنین استفاده از روش‌های آموزشی غیرفعال.

با توجه به نتایج پژوهش‌های صورت گرفته و اهمیت و ضرورت تربیت، بخصوص تربیت دینی، و با توجه به اینکه تربیت دینی و اعتقادی یکی از ساحت‌های تربیت در اسناد بالادستی و نظام تعلیم و تربیت است، آسیب‌شناسی این ساحت می‌تواند به مسئولان نظام تربیتی کشور برای ترسیم وضع مطلوب فرایند تربیت کمک کند. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد است ضمن تشریح آسیب‌های تربیت دینی در ابعاد فرهنگی، آموزشی و مذهبی آن، به ارائه راهکارهایی به منظور برون‌رفت از این آسیب‌ها بپردازد.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است. برای گردآوری داده‌ها از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. روایی صوری و محتوایی مصاحبه‌ها نیز توسط متخصصان حوزه علوم تربیتی بررسی و در نهایت تایید شد. در پژوهش حاضر، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در مصاحبه با جامعه

هدف، نمونه‌گیری تا زمان به اشباع رسیدن داده‌ها ادامه داشت و با مصاحبه با ده نفر از صاحب‌نظران حوزه علوم تربیتی، اشباع نظری داده‌ها بدست آمد. از آنجا که داده‌های به دست آمده کیفی است، بنابراین، از تحلیل کیفی به منظور تحلیل و جمع‌بندی آنها استفاده شد.

جدول ۱- ویژگی‌های جامعه‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

کد	جنسیت	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	مرتبۀ علمی	سابقه
۱	زن	دکتری	علوم تربیتی (تربیت اسلامی)	استادیار	۸
۲	زن	دکتری	علوم تربیتی (فلسفه تعلیم و تربیت)	استادیار	۱۱
۳	مرد	دکتری	علوم تربیتی (تربیت اسلامی)	دانشیار	۲۱
۴	مرد	دکتری	علوم تربیتی (برنامه‌ریزی درسی)	استادیار	۱۰
۵	مرد	دکتری	علوم تربیتی (فلسفه تعلیم و تربیت)	استاد	۲۵
۶	زن	دکتری	علوم تربیتی (تربیت اسلامی)	استادیار	۱۵
۷	مرد	دکتری	علوم تربیتی (فلسفه تعلیم و تربیت)	دانشیار	۱۸
۸	مرد	دکتری	علوم تربیتی (تربیت اسلامی)	استاد	۳۰
۹	مرد	دکتری	علوم تربیتی (برنامه‌ریزی درسی)	استادیار	۱۱
۱۰	زن	دکتری	علوم تربیتی (تربیت اسلامی)	استادیار	۹

۳. یافته‌های پژوهش

سوال ۱- مطابق با نظرات صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت اسلامی، موانع و آسیب‌های تربیت دینی

کدامند؟

از آنجا که تربیت دینی، تربیتی براساس مفاهیم و معیارهای دینی است، هرگاه این مفاهیم و معیارها مورد بدفهمی واقع شده و یا در مواجهه با مسائل نوظهور عصر و دوران به صورت نابجا و ناشایست مورد استفاده قرار گیرند، آسیب در تربیت دینی رخ خواهد داد. برخی از آسیب‌های تربیت دینی نتیجه کج‌روی در عرصه روابط عملی و برخی نیز حاصل کج‌اندیشی در مقام نظر است.

با عنایت به درهم تنیدگی عمل و نظر، بروز آسیب در تربیت دینی وجوه و اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد که شناسایی آنها در حوزه‌ها و دسته‌های گوناگون، به درک بهتر این آسیب‌ها و سلامت ماندن تربیت دینی منجر خواهد شد. بر این اساس، نظرات صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت اسلامی حاکی از آن است که موانع و آسیب‌های تربیت دینی در سه محور مورد شناسایی و تبیین قرار گرفته است. هر يك از این محورهای سه‌گانه مرکب از مؤلفه‌هایی است که در جدول شماره (۱) به آنها اشاره شده است.

جدول ۱- موانع و آسیب‌های تربیت دینی

محور ۱	محور ۲	محور ۳
عوامل مربوط به نظام آموزش و پرورش	عوامل مربوط به خارج از نظام آموزش و پرورش	عوامل فردی مربوط به نوجوانان و جوانان
<ul style="list-style-type: none"> - مشخص نبودن ساخت‌های تربیت دینی - اشتباه گرفتن اطلاعات دینی به جای تربیت دینی - تضاد میان خانواده و مدرسه در امور دینی - عدم اولویت همه‌جانبه تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش متناسب با نظام جمهوری اسلامی - عدم شناخت کافی معلمان از روحیات دانش‌آموزان - تفکیک ناخواسته میان تعلیم و تربیت - عدم نیازسنجی تربیت دینی در برنامه درسی - ضعف در برقراری روابط عاطفی و صمیمانه توسط معلمان دینی با دانش‌آموزان 	<ul style="list-style-type: none"> - برداشت‌های ناصحیح و استفاده ایزاری از دین - عدم هماهنگی والدین با یکدیگر - کم‌توجهی یا بی‌توجهی خانواده‌ها به انجام واجبات و ضروریات دینی - ناکارآمدی کانون‌های دینی - ناکارآمدی شیوه‌های تبلیغ دینی - عدم پاسخ‌گویی کامل به نیازها و مشکلات نسل جوان - عدم تعادل بین ظاهر و باطن - تهاجم فرهنگی - عدم توجه به تفاوت‌های فردی افراد اجتماع - عدم پاسخ‌گویی لازم به پرسش‌های نوجوانان و جوانان (همت بناری، ۱۳۸۰). 	<ul style="list-style-type: none"> - مسایل و بحران‌های بلوغ - کنجکاو و ایجاد تردیدهای مذهبی (شهیدی، ۱۳۶۸) - ناپختگی و بی‌تجربه‌گی - گرایش به الگوهای غیرواقعی و ناصالح - عدم تشخیص نیازهای واقعی از غیرواقعی - عدم تعیین اولویت‌های برنامه‌های تربیت دینی نوجوانان و جوانان - سهل‌انگاری در انجام فرایض دینی (خوانساری، ۱۳۸۰) - ظاهرسازی و سهل‌انگاری

در ادامه به توضیحات مربوط به تعدادی از عوامل مربوط به آسیب‌ها در قالب محورهای سه‌گانه پرداخته می‌شود.

محور اول: عوامل مربوط به نظام آموزش و پرورش

۱) مشخص نبودن ساخت‌های تربیت دینی

مصاحبه شونده با کد (۴) بیان می‌دارد که:

نظام آموزش و پرورش به عنوان متولی تعلیم و تربیت در کشور، نقش مهم و ارزنده‌ای در تربیت دینی و اسلامی بر عهده دارد. عدم اولویت همه‌جانبه تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش متناسب با نظام جمهوری اسلامی، تفکیک ناخواسته میان تعلیم و تربیت، عدم نیازسنجی تربیت دینی و تعیین اولویت‌های برنامه‌های تربیت دینی نوجوانان و جوانان، همچنین اگر آموزش دینی به همراه پرورش حس دینی نباشد، نه تنها کمکی به تقویت تمایلات فطری نمی‌کند، بلکه خود مانع و حجاب بزرگی در برابر این تمایل خودانگیخته ایجاد می‌نماید.

یکی از خصوصیات فضای دینی، متنوع و متعدد بودن ساحت‌ها و ابعاد تفکر دینی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲). مصاحبه شونده با کد (۲) بیان می‌دارد که:

تاریخ اسلام حکایت پر رنگ و کم رنگ شدن این ابعاد در گستره جغرافیایی است. از تالو و تنوع

این رنگ‌ها، منظره متنوع شدن تلاش‌ها و تکاپوهای فکری و عملی می‌تواند، تفسیر شود. یکی از آسیب‌های مهم تربیت دینی، مشخص نبودن ساحت تربیت دینی و خروج از اعتدال در گرایش به یکی از این ابعاد است.

۲) اشتباه گرفتن اطلاعات دینی به جای تربیت دینی

مصاحبه‌شونده با کد (۴) بیان می‌دارد که:

این اندیشه که هر نوع اطلاعات دینی به معرفت وجودی و نهایتاً به ایمان و باور منتهی خواهد شد، در عمل درست نیست. به عبارت دیگر، تنها اطلاعات دینی نیست که منشاء تفکر مذهبی و باورهای دینی می‌شود، بلکه پرورش مایه‌های فطری و رغبت‌های دینی قبل از اطلاعات دینی اهمیت دارد.

۳) تضاد میان خانواده و مدرسه در امور دینی

مصاحبه‌شونده با کد (۷) بیان می‌دارد که:

یکی از آسیب‌های جدید در تعلیم و تربیت دینی، تضاد و تعارض میان دیدگاه‌ها و رفتار خانواده‌ها با محیط مدرسه است. اگر خانواده متدین نباشد، متولیان تربیتی به راحتی نمی‌توانند فرزندان این خانواده‌ها را افراد دینداری پرورش دهند. بینش غلط والدین و اولیاء مدرسه در مورد ارتباطات خانه و مدرسه موجب از هم گسستگی روابط خانه و مدرسه می‌شود، به‌گونه‌ای که والدین از تمام توان فکری خود در راستای بهبود مسائل آموزشی و تربیتی مدرسه بهره نمی‌گیرند و بی‌توجهی آنان به مسائل تربیتی دانش‌آموزان و ناهمگونی ارتباطات خانه و مدرسه خودبه‌خود بر دوگانگی رفتاری دانش‌آموزان دامن می‌زند. لازمه حفظ تعادل شخصیت و تعادل روانی فرد، هماهنگی بین الگوهای ارائه شده مدرسه و خانه است. بنابراین، همگامی خانواده با مجموعه آموزش و پرورش است که می‌تواند سازندگی فرد، جامعه و در نهایت پیشرفت جامعه را به همراه داشته باشد (کیومرثی، ۱۳۹۲).

محور دوم: عوامل مربوط به خارج از نظام آموزش و پرورش

۱) عدم توجه به تفاوت‌های فردی افراد اجتماع: در شرایط امروزی، سوال‌های اجتماعی و دینی نسل نو در قالب سوال‌های نسل قبل ساخته نمی‌شود، لذا، آسیب زمانی رخ می‌دهد که نظام تربیت دینی بدون توجه به نیازهای واقعی افراد و مسائل آنان برنامه‌ریزی و ارائه می‌شود (باقری، ۱۳۸۸). این امر بیشتر بدان دلیل است که متولیان دینی از استعدادها و تفاوت‌های افراد آگاهی ندارند، در حالی که تفاوت استعدادها اجتناب‌ناپذیر است و بدون ملاحظه این تفاوت‌ها، تربیت دینی امکان‌پذیر نیست.

۲) **عدم تعادل بین ظاهر و باطن:** در این رویکرد افراد از لحاظ عمل و نظر با یکدیگر متفاوت هستند. ظاهرسازی به عنوان یک آسیب جدی تربیت دینی، بین ظاهر و باطن فاصله می‌افکند و تا جایی که به روابط اجتماعی فرد مربوط می‌شود، با دوگانه کردن خلوت و جلوت، اعتماد اجتماعی را سست می‌کند. در فضای تربیت دینی عواملی مانند الزام‌ها و فشار اجتماعی در انجام آداب و مناسک دینی و قائل شدن امتیازهای اجتماعی ویژه برای انجام آداب و مناسک دینی، آن را تشدید می‌کند.

مصاحبه شونده با کد ۸ بیان می‌دارد:

کم‌توجهی یا بی‌توجهی خانواده‌ها، ناکارآمدی کانون‌های دینی، شیوه‌های پیام‌رسانی دینی، برداشت‌های ناصحیح و استفاده ابزاری از دین، عدم پاسخ‌گویی کامل به نیازها و مشکلات نسل جوان، خرافه‌پردازی و بدعت، تهاجم فرهنگی، عدم پاسخ‌گویی لازم به پرسش‌های نوجوانان و جوانان در شکل‌گیری آسیب‌های تربیتی موثر هستند.

محور سوم: عوامل فردی مربوط به نوجوانان و جوانان

مصاحبه شونده با کد (۹) بیان می‌دارد که:

مقطع نوجوانی، مقطعی سرنوشت‌ساز برای نوجوانان و جوان است. ایجاد شک و تردیدهای مذهبی، عدم تعیین اولویت‌های برنامه‌های تربیت دینی نوجوانان و جوانان، ناپختگی و بی‌تجربه‌گی و گرایش به الگوهای غیرواقعی و ناصالح، و عدم تشخیص نیازهای واقعی از غیرواقعی زمینه‌هایی است که اگر از سوی خانواده‌ها و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی اسلامی درک نشود و مورد توجه قرار نگیرد، سبب بروز مشکلات و اختلال در تربیت دینی آنان می‌گردد.

سؤال ۲- راهبردها و راهکارهای مواجهه با آسیب‌های تربیت دینی از دیدگاه صاحب‌نظران کدامند؟

در پاسخ به این سوال، داده‌های به دست آمده از مصاحبه با صاحب‌نظران، با استفاده از روش مقوله‌بندی صورت گرفت و نتایج آن در قالب محورهای سه‌گانه در جدول (۲) دسته‌بندی و نشان داده شده است.

در هر محور نمونه‌هایی از نظرات مصاحبه‌شوندگان به صورت نقل قول مستقیم آمده است. به‌طور کلی، تربیت دینی برای اینکه راه صحیح خود را پیدا کند و از آسیب‌های مذکور مصون بماند، بایستی رویه‌ای منطقی و اصولی به خود بگیرد.

لزوم اتخاذ چنین رویکردی در درجه اول مستلزم ارائه راهکارهایی برای برون‌رفت از این آسیب‌ها می‌باشد، که در ادامه بررسی می‌شود.

جدول ۲- راهبردها و راهکارهای مواجهه با آسیب‌های تربیت دینی از دیدگاه صاحب‌نظران

پیشنهاد‌های محور ۱	پیشنهاد‌های محور ۲	پیشنهاد‌های محور ۳
عوامل مربوط به نظام آموزش و پرورش	عوامل مربوط به خارج از نظام آموزش و پرورش	عوامل فردی
<ul style="list-style-type: none"> - متناسب کردن آموزش‌های دینی با نیازهای روحی و روانی متریبان (مصاحبه‌شونده شماره ۴ و ۹). - متناسب کردن آموزش‌های دینی با میزان فهم و درک فراگیران (مصاحبه‌شونده شماره ۵ و ۸) - توجه به تفاوت‌های فردی در برنامه ریزی تربیت دینی (مصاحبه شونده شماره ۱ و ۷) - آموزش‌های دینی باید زیبا و هنرمندانه باشد (مصاحبه شونده شماره ۶). - آموزش جرات‌مندی و بینش‌مندی در فراگیران (مصاحبه شونده شماره ۲ و ۵). 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم پیروی از تعصبات و احساسات در امور دینی (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰) - ترویج ضرورت انجام اعمال دینی با جدیت (مصاحبه‌شونده شماره ۵ و ۹) - پرهیز از طرح اختلافات اعتقادی میان ادیان و مذاهب و نیز تفاوت‌های موجود در دستورات دینی در میان فرق اسلامی برای تربیت و تلطیف حس دینی در فراگیران (مصاحبه‌شونده شماره ۱ و ۳) - انجام تربیت دینی با رویکردی عاری از تعصبات و تنگ‌نظری (مصاحبه‌شونده شماره ۲ و ۹). 	<ul style="list-style-type: none"> - کمک گرفتن افراد از میل طبیعی برای درک حقایق و کنجکاوای در مورد مسائل هستی (مصاحبه‌شونده شماره ۶ و ۸) - لزوم تسهیل و ساده‌سازی تربیت دینی (مصاحبه‌شونده شماره ۶ و ۸). - تلفیق ایمان و عمل (مصاحبه‌شونده شماره ۱، ۳ و ۱۰). - عدم ریاکاری و ظاهرپریمی (مصاحبه‌شونده شماره ۳ و ۴).

داده‌های جدول (۲) نشان می‌دهد که برای برون‌رفت از آسیب‌های تربیت دینی، باید به کودکان و نوجوانان و جوانان کمک کنیم تا روشی را جستجو کنند که در آن باورها بر اعمال تاثیر بگذارند؛ به‌گونه‌ای که در جریان تربیت دینی، فردی که دین خود را متناسب با علایق خود بکار گیرد، به سمت و سویی هدایت خواهد شد که متناسب با اصول و شیوه‌های درست رفتار کند. در جامعه ما گاهی تعلیم و تربیت دینی به القای برخی مفاهیم نظری منجر شده است، بدون آنکه کودکان نوجوانان و جوانان آنها را باور داشته و در عمل تجربه کرده باشند که مقصود اصلی از دین مجموعه‌ای از رفتارها و آثار درونی و بیرونی است که باید به آنها متعهد شد. بالاخره اینکه تربیت واقعی چیزی نیست که توسط دیگران به کودک تحویل شود، بلکه جریانی است که از خود کودک ناشی می‌شود و باید در برنامه درسی مدارس لحاظ گردد. این نوع برنامه درسی نیز بایستی در عمل با بکارگیری معلمان و مربیان متعهد و توانمند از نظر علمی و شخصیتی، تحقق پیدا کند. به هر حال، متناسب‌سازی آموزش‌های دینی با نیازهای روحی و روانی متریبان و قابل فهم و درک برای آنها، ترویج رویکرد عقل‌ورزی، توجه به تفاوت‌های فردی در برنامه‌ریزی تربیت دینی، دوری از تعصبات و تمایلات فردی و جمعی، انجام تربیت دینی با رویکردی عاری از تعصبات و تنگ‌نظری در برنامه‌ریزی‌های درسی تربیت دینی، از جمله مقوله‌های مطرح شده توسط مصاحبه‌شوندگان هستند که می‌توانند زمینه برون‌رفت از آسیب‌های تربیت دینی را فراهم سازند.

۴. نتیجه‌گیری

آسیب‌شناسی و آسیب‌پذیری تربیت دینی با وجود قدمت دین و آسیب‌های دینداری، موضوعی بکر و جدید است، موضوعی که در باب آن مطالعات و پژوهش‌های علمی زیادی انجام نگرفته است. در کشور ما آسیب‌های تربیت دینی ناشی از بدفهمی نسبت به آموزه‌های دینی و بدکرداری ناشی از این بدفهمی است. در بخش آسیب‌های تربیت دینی مربوط به عوامل مربوط به نظام آموزش و پرورش، چالش‌ها بیشتر متوجه روابط مربی یا معلم با فراگیر یا مربی است. مشخص نبودن ساحت‌های تربیت دینی، اشتباه گرفتن اطلاعات دینی به جای تربیت دینی، تضاد میان خانواده و مدرسه در امور دینی و فرایندهای آموزشی نادرست و محتوای آموزشی نامرتب با نیازها و علائق فراگیران و... از مهم‌ترین آسیب‌های تربیت دینی هستند. بخشی از این نتایج با پژوهش‌های رحمان‌پور و جعفری (۱۳۹۵) و ساجدی (۱۳۸۶) همخوان است. در بخش آسیب‌های دینی مربوط به عوامل خارج از نظام آموزش و پرورش، بیشتر چالش‌ها به مواردی خارج از نظام آموزشی ارتباط پیدا می‌کند. هرگاه نهادهای خارج از آموزش و پرورش به دلیل تعصبات خاص ملی مذهبی و کوتاه‌فکری‌ها و تنگ‌نظری، توان معرفی دین را به خوبی نداشته باشند و نتوانند آن را خوب ترویج و گسترش دهند، نظام آموزشی هم که عهده‌دار تربیت دینی و برنامه‌های درسی دینی و مذهبی است، در راستای مأموریت‌ها، اهداف و رسالت‌های خود با مشکل روبرو می‌شود و احتمال اینکه از مسیر اصلی خود خارج شود، بسیار زیاد است. خانواده‌ها نیز باید تلاش کنند که آموخته‌های مذهبی کودکان، با تجارب و احساسات خویشاوندی شکل بگیرد. سعه صدر، ابزار احساس خرسندی و روحیه رضایتمداری گرایش به این احساسات مذهبی را برای کودکان گوارا می‌سازد. مشاهده و بررسی رفتار اطرافیان (به خصوص والدین) در موقعیت‌های مختلف، مشوقی قوی و غنی برای یادگیری تربیت دینی است. بنابراین، باید زمینه‌سازی لازم برای مواقعی که کودکان و نوجوانان در جریان یادگیری و آموزش احکام و عبادات قرار دارند، فراهم شود، تا نتیجه مطلوب و بهینه حاصل گردد. در این صورت تقویت چنین گرایش فطری نیز بسیار آسان و طبیعی خواهد بود. کسب عادت‌ها و رفتارهای مذهبی، بیش از آنکه متأثر از اندرزها و سخنان والدین باشد، معلول پذیرش رفتار و احساسات مرتبط و همراه با مهر و محبت آنان است.

تحلیل و تفسیر سوال دوم مبنی بر ارائه راهکارها، متناسب با مقوله‌های استخراج شده صورت گرفته است. در مقوله اول با عنوان: متناسب کردن آموزش‌های دینی با نیازهای روحی و روانی متریبان، باید مطالب با زبان مناسب متریبان ارائه شوند و طوری نباشند که فقط عده خاصی از آن‌ها استفاده کنند. عدم رعایت این نکته باعث گریز تدریجی از دین و انکار درونی برخی از باورها و عقاید دینی در متریبان

خواهد شد.

در مورد مقوله دوم با عنوان: متناسب کردن آموزش‌های دینی با میزان فهم و درک فراگیران، باید بیان گفت که حس کنجکاوی به صورت فطری در همه کودکان و نوجوانان وجود دارد و این حس درونی می‌تواند انگیزه اصلی برای طرح بسیاری از مسائل دینی و معرفتی باشد. بنابراین، ضروری است تناسب بین آموزش‌های دینی و فهم و درک فراگیران رعایت گردد.

در مورد مقوله سوم با عنوان: عدم پیروی از تعصبات و احساسات در امور دینی و آموزش جرأت‌مندی و بینش‌مندی، باید گفت که تربیت دینی باید به شیوه‌ای انجام شود که افراد در مواجهه با مسائل، رویکرد بینش‌مندی را اتخاذ کنند و از تعصبات و گرفتاری در هوای نفس بپرهیزند و در عین حال در مواردی که دانش و توان دینی به آنها اجازه می‌دهد، جرأت اظهارنظر و استفاده از آموزه‌های دینی را داشته باشند. پس، بایستی از یک طرف در دین دانا بوده و از طرف دیگر، خود را از پیروی از هوای نفس و گمراهی مصون داریم.

در مورد مقوله چهارم با عنوان: توجه به تفاوت‌های فردی در برنامه‌ریزی تربیت دینی، باید گفت که برنامه‌ریزی تربیت دینی باید نقطه شروع خود را نیازها و علائق مخاطبان و متریبان در نظر بگیرد و آن را به صورت علمی و اصولی انجام دهد، و نه به صورت حدسی و تخمینی. این امر باعث می‌شود که آموزه‌های دینی با نیازها و استعدادها‌ی فراگیران متناسب بوده و باعث برقراری ارتباط و اتصال فکری دو نسل شود (رحمان‌پور و جعفری، ۱۳۹۵). البته، مرییان بایستی همواره پیشرو بوده و به عنوان یک کارشناس و مسئله‌شناس، تابع نیازها و علائق فراگیران قرار نگرفته و همواره با دید نقادانه به مسائل و نیازهای آنان بنگرد. در واقع، نیازها و علائق فراگیران در هدایت تربیت دینی نقش سلبی دارند و نه ایجابی؛ یعنی تمام نیازها و علائق آنان ممکن است مطلوب نبوده و یا مغایر با دین و آموزه‌های دین باشد و لذا، بایستی با آنچه دین می‌گوید، مطابق بوده و وفق یابد.

در مورد مقوله پنجم با عنوان: عدم ریاکاری و ظاهرپرایی و ترویج ضرورت انجام اعمال دینی با جدیت، آنچه قابل تأمل می‌باشد این است که لازمه تدبیر و نتیجه صحیح تربیت دینی این خواهد بود که افراد تربیت‌یافته، علاوه بر اعتقاد و ایمان، همواره بر انجام مناسک و آداب نیز پای‌ورزی کنند. تربیت دینی باید برای فراهم آوردن معرفت و بینش مناسب نسبت به آموزه‌های دینی بکوشد و در پرتو این بینش، گرایش‌ها و نهایتاً عمل را بجنباند.

در مورد مقوله ششم با عنوان: تلفیق ایمان و عمل، نکته قابل بحث این است که ترویج دین و دینداری در قالب تربیت دینی مستلزم آن است که در درجه اول عالمان و متولیان تربیت دینی به آنچه که

می‌دانند و می‌گویند، عمل کنند و خود نمونه عینی دین باشند (رحمان‌پور و جعفری، ۱۳۹۵). چراکه لغزش عالمان و الگوهای دینی بسیار جدی‌تر از لغزش عوام است: «زله العالم تفسد العوالم»، لغزش عالم، عالم‌ها را به فساد می‌کشاند (خوانساری، ۱۳۸۰، ص ۳۸۵). بنابراین، تربیت دینی بایستی به افرادی سپرده شود که فارغ از هرگونه ریاکاری، به آنچه می‌گویند و فرمان می‌دهند، پایبند باشند. از طرفی، بایستی چنین افرادی در دام جهل نیفتاده و هر نوع عمل و رفتار آنها ناشی از آگاهی، علم و یقین باشد.

در تحلیل مقوله هفتم با عنوان: انجام تربیت دینی با رویکردی عاری از تعصبات و تنگ‌نظری، باید گفت که تربیت دینی بایستی بر این مبنا انجام پذیرد که حقیقت‌های مشترکی در میان ادیان وجود دارد و حقیقت به تمامی و تنها در یک دین تمرکز نیافته است (رحمان‌پور و جعفری، ۱۳۹۵). از طرفی، میزان بهره‌وری ادیان مختلف از حقیقت متفاوت بوده و برخی ادیان از حقانیت بیشتری برخوردارند. البته اینکه کدام دین از چنین برتری و رجحانی برخوردار است، نیازمند بحث‌ها و مراددهای فکری بوده و از نظر تربیتی نیز بایستی موجه باشد. لازمه این کار در درجه اول دوری از تعصبات بی‌جا می‌باشد تا اعمال و تصمیمات، مبتنی بر جهل و تمایلات نگردد.

در مورد مقوله هشتم با عنوان: برای تربیت و تلطیف حس دینی در فراگیران، باید از طرح اختلافات اعتقادی میان ادیان و مذاهب و نیز تفاوت‌های موجود در دستورات دینی در میان فرق اسلامی پرهیز کرد، باید اذعان داشت که این احتراز، از ایجاد شبهه و تردید در جان دانش‌آموزان جلوگیری می‌کند. در جوامعی که حکومت دینی حاکم است، زمامداران و حاکمان بیش از همه مسئولیت دارند، لذا، آنها بایستی از قابلیت و توانمندی بالایی برخوردار باشند تا بتوانند جریان تربیت دینی را در راستای مسیر واقعی و اصلی خود نگه داشته و استمرار بخشند و از اختلافات اعتقادی جلوگیری کنند (کیومرثی، ۱۳۹۲). لازمه این کار آن است که در درجه اول زمامداران و حاکمان در این جوامع از نظر دینی، خود از پایه و مرتبه بالایی برخوردار بوده و در درجه دوم از توانمندی‌های مدیریتی بالایی بهره‌مند باشند.

در مورد مقوله نهم با عنوان: لزوم تسهیل و ساده‌سازی تربیت دینی، آنچه قابل تأمل می‌باشد، این است که نظام تربیت دینی مبتنی بر راه‌های سهل و آسان بوده و از تکالیف شاق به دور است (رحمان‌پور و جعفری، ۱۳۹۵). با سخت‌گیری، میل به هدایت از بین می‌رود و امکان تحقق تربیت درست دینی فراهم می‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲). لزوم تسهیل و آسانگیری در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است: «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر»، «خدا برای شما آسانی می‌خواهد، نه دشواری» (بقره، ۱۸۵). «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج»، «و در دین (اسلام) کار سختی بر شما قرار نداد» (حج،

(۷۸). بنابراین، به منظور مواجهه درست با این آسیب، بایستی رویکرد آسانگیری را اتخاذ کرد که مبتنی بر ضابطه‌های درست- نه ضابطه‌های آهنین و غیرانعطاف- باشد. از طرفی، بایستی هرگونه تکلیفی براساس ظرفیت و توان انسان‌ها باشد و اجبار به آنچه خارج از توان آنهاست، نشان‌دهنده تربیت غلط است. قرآن کریم نیز در آیه شریفه «لایکلف الله نفسا الا وسعها»، به ضرورت تربیتی دینی مبتنی بر رعایت حال مخاطبان تاکید کرده است.

در تفسیر مقوله دهم با عنوان: آموزش‌های دینی باید زیبا و هنرمندانه باشد، باید گفت که انسان ذاتاً طالب جمال و زیبایی است، از این‌رو در طرح مسائل دینی باید حداکثر ذوق، زیبایی و هنر را بکار گرفت، تا آموزش بهتر و دلنشین‌تر باشد. همچنان که یکی از علل پیشرفت اسلام در زمان رسول اکرم(ص)، رسایی و شیوایی و در عین حال زیبایی بیان قرآن کریم بود که به سرعت در دل‌ها نفوذ می‌کرد. استفاده از هنر نباید به میزانی باشد که آموزش دینی را تحت‌الشعاع قرار دهد و اذهان را از محتوی آموزش منحرف سازد.

— منابع —

قرآن کریم.

- باقری، خسرو (۱۳۸۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۸). شرح غررالحکم و دررالکلم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲). آسیب‌شناسی دینی در نهج‌البلاغه. تهران: انتشارات دریا.
- رحمان‌پور، محمد (۱۳۹۰). بازاندیشی در معنا، جایگاه، چالش‌ها و آثار عادت دادن در فرایند تربیت اسلامی. معرفت، شماره ۱، ص ۵۹-۷۲.
- رحمان‌پور، محمد؛ جعفری، سید ابراهیم (۱۳۹۵). آسیب‌های تربیت دینی به منظور ارائه راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با محوریت برنامه‌ریزی درسی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۳(۲۳)، ص ۵۲-۲۱.
- ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۶). ابزارها و شیوه‌های آسیب‌زا در تعلیم و تربیت دینی دانش‌آموزان. نقد کتاب، ۴۲(۲).
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۶۸). ترجمه نهج‌البلاغه. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کاویانی، صدیقه؛ نوروزی، رضا علی (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی تربیت دینی در حیطه فردی از منظر نهج‌البلاغه. پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۷(۴۲).
- کیومرثی، غلام‌علی (۱۳۹۲). مبانی و اصول تربیت دینی و تفاوت آن با تعلیمات دینی. تهران: انتشارات منادی تربیت.
- ملحان، زهرا (۱۳۹۵). بررسی آسیب‌ها و راهکارهای تربیت دینی دانش‌آموزان در مدارس. در: تهران: چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- همت بناری، علی (۱۳۸۰). نگاهی به عوامل آسیب‌شناسی تربیت دینی نوجوانان و جوانان (با تأکید بر عوامل آسیب‌زا در نظام آموزش و پرورش). تربیت اسلامی، ۶، ص ۱۹۱-۱۷۰.